

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و سه، دوره جدید، شماره ۵۷، پیاپی ۱۴۷، بهار ۱۴۰۲
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۱۳۴-۱۱۳

نقش دولت در اقتصاد؛ بازخوانی آرا و اندیشه‌های احمد متین دفتری^۱

حسن رجبی فرد^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۱

چکیده

با شروع مناسبات ایران و غرب در دوره قاجاریه، بحران، همه عرصه‌های حیات جامعه ایران را در بر گرفت. یکی از این عرصه‌ها، بحران اقتصادی بود. برخی از منورالفکران به اقتضای درک و بینش خود سعی کردند راه‌حلی برای این بحران ارائه دهند. با این حال کمتر منورالفکری به تأمل دقیق در ریشه‌های آن پرداخت. احمد متین دفتری یکی از کسانی بود که به تأمل جدی درباره این موضوع پرداخت و راهکارهایی نیز ارائه داد. مسئله اصلی مقاله، بازخوانی آرای احمد متین دفتری در بحران اقتصاد ایران و نقش دولت در حل این موضوع است. پرسش مقاله نیز این است که متین دفتری چه نقشی برای دولت در حل بحران اقتصادی قائل بود. فرضیه این مقاله این است که برخلاف بیشتر منورالفکران، متین دفتری به دنبال محدود کردن نقش دولت و پایه‌ریزی یک اقتصاد ملی در ایران بود. یافته‌های این نوشتار نشان می‌دهد متین دفتری عقیده داشت دولت باید از دخالت مستقیم در امور اقتصادی خودداری کرده و کار را به نهادها و افراد خصوصی بسپارد. همچنین او معتقد بود فساد سازمان‌های اجتماعی و نهادهای سیاسی ایران نیز ناشی از سیطره اقتصاد بر دولت است.

کلیدواژه‌ها: احمد متین دفتری، بحران اقتصادی، دخالت دولت در اقتصاد، اقتصاد ملی.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2023.43314.2768

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.2008885.1402.33.57.5.4

۲. دانشجوی دکتری گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

hrf3011@gmail.com

مقدمه

با گسترش مناسبات ایران و غرب در دوره قاجار، به‌ویژه پس از جنگ‌های ایران و روس، جامعه ایران وارد دوره‌ای جدید از تاریخ خود شد. در این دوره با ادغام ایران در نظام اقتصاد جهانی، شیوه کشاورزی معیشتی کم‌کم جای خود را به کشاورزی تجاری داد. در عرصه صنعت نیز صنایع سنتی و حتی نوپای مدرن نتوانستند در مقابل «سیل ورود کالاهای غربی» مقاومت کنند؛ بنابراین ضرورت تحول در مناسبات اقتصادی بیش‌ازپیش احساس شد. نخبگان جامعه نیز به فراخور درک و فهم خود از این وضعیت جدید به تأمل در ریشه‌های این وضع و راه‌های خروج از آن روی آوردند. برخی از صنایع داخلی حمایت کرده و تصور کردند با این کار می‌توانند با وضعیت جدید مقابله کنند. آن‌ها از دولت انتظار داشتند با حمایت از صنایع داخلی، طرحی نو دراندازد و بحران‌های اقتصادی کشور را حل کند.

یکی از مسائل اصلی در علم اقتصاد، موضوع دخالت دولت در اقتصاد است. برخلاف غرب که جدال میان اقتصاد آزاد و اقتصاد دولتی در جریان بود، در ایران به‌دلیل کمبود منابع ثروت و ضعف ساختاری، اساساً این بحث‌ها محلی از اعراب نداشت. دولت در آن زمان توان تجمیع منابع و اعمال قدرت را نداشت. از سوی دیگر در میان نخبگان ایرانی، توجه به اقتصاد و اصول آن به‌مثابه یک «علم» کمتر دیده می‌شد. در نهایت آن‌ها مسائلی کلی درباره لزوم اصلاح اقتصادی و خودکفایی اقتصادی به زبان می‌آوردند که بیشتر جنبه احساسی داشت. با تشکیل حکومت پهلوی و شروع دوره نوسازی ایران، این بحث‌ها تا حدی وارد فضای فکری جامعه ایران شد؛ اما بازم گفتار غالب را طرف‌داران اقتصاد دولتی تولید می‌کردند. اجرای برنامه‌های نوسازی نیاز به منابع سنگین مالی داشت؛ بنابراین دولت رضاشاه سعی کرد با کنترل اقتصاد خارجی و سیطره بر اقتصاد، این منابع را تأمین کند. تأسیس شرکت‌های دولتی و ایجاد انحصار اقتصادی در دوره وزارت علی‌اکبر داور به این دلیل بود.

تا پیش از تأسیس سلسله پهلوی، حکومت توان و اراده دخالت در تمام شئون اقتصادی را نداشت. با تشکیل این حکومت، تلاش‌ها برای دخالت و حضور دولت در اقتصاد فراهم آمد. سیاستی که با علی‌اکبر داور آغاز شد و در تمام دوران رضاشاه و اوایل محمدرضا شاه ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۳۲۷ شمسی لزوم برنامه‌ریزی اقتصادی به مسئله‌ای غالب در اقتصاد جهانی تبدیل شد، به‌خصوص برای کشورهایی که امروزه آن‌ها را توسعه‌نیافته می‌نامیم.

متین‌دفتری یکی از کسانی است که به تأمل در وضع اقتصادی ایران پرداخت و آثاری نیز از خود به‌جای گذاشت. اندیشه‌های اقتصادی متین‌دفتری و گزاره‌هایی که وی درباره اقتصاد ایران مطرح می‌کند تا امروز نیز جای بحث و جدل است. وی جزو معدود کسانی است که

دخالت دولت در اقتصاد را مطرح کرده و از آنجایی که در این باره هم کار نظری و هم اجرایی کرده است، آگاهی از اندیشه‌های او می‌تواند برای بررسی تاریخ علم اقتصاد ایران راهگشا باشد. مسئله اصلی متین دفتری، نقش دولت در توسعه اقتصادی و تعیین میزان و نحوه دخالت دولت در آن است. با بررسی این اندیشه‌ها می‌توان ریشه‌های بحران ایران معاصر به‌خصوص در عرصه اندیشه اقتصادی و سیاست‌گذاری‌های کلان نهاد دولت را شناسایی کرد.

پیشینه پژوهش

برخی از آثار پژوهشی صرفاً شرحی از زندگی و اقدامات سیاسی او ارائه داده‌اند. کتب باقر عاقلی، *خاطرات یک نخست‌وزیر (دکتر احمد متین دفتری)* (۱۳۷۱)، احمد صفایی، *دکتر احمد متین دفتری* (۱۳۸۳)، پایان‌نامه مؤگان رباط جزئی «زندگی و کارنامه سیاسی احمد متین دفتری» (۱۳۹۰)، پایان‌نامه صغری تونک «احمد متین دفتری و تحولات سیاسی ایران» (۱۳۹۰) و پایان‌نامه «احمد متین دفتری در دوره پهلوی اول» (۱۳۹۲) نوشته ابوالفضل روکی از این دسته هستند.

برخی آثار نیز بر اوضاع اقتصادی و تفکر برنامه‌ریزی دولتی در ایران تأکید کرده‌اند. از جمله این آثار باید به مسعود نیلی «برنامه‌ریزی در ایران؛ تحلیلی تاریخی، با تمرکز بر تحولات نقش و جایگاه سازمان برنامه‌بودجه» (۱۳۹۶) و موسی غنی نژاد «اقتصاد و دولت در ایران» (۱۳۹۵) اشاره کرد که ذیل بحث پایه‌ریزی اقتصاد متمرکز دولتی و توجیه نظری آن اشارات مختصری به متین دفتری و آرای اقتصادی او داشته‌اند.

در این آثار بحثی درباره نظام فکری و اصول اقتصادی متین دفتری و نتایج حاکم شدن این الگو صورت نگرفته است. به همین دلیل، این مقاله با بررسی آثار متین دفتری و اندیشه‌های اقتصادی وی درصدد است تا بررسی مفصلی از آرا و اندیشه‌های او انجام دهد. هدف از این کار، بازخوانی و فهم نظری از مسئله دخالت دولت در اقتصاد و نحوه مواجهه منورالفرکان با این موضوع است. موضوعی که تا امروز مسئله جامعه ایران است. بر این اساس، موضوع این مقاله، ذیل تاریخ فکری^۱ و تاریخ تفکر اقتصادی قرار دارد؛ بنابراین مقاله به تاریخ اقتصاد ایران یا اقتصاد ایران نمی‌پردازد.

این مقاله بر اساس روش تحلیل گفتار^۲ زمینه‌های تاریخی و شکل‌گیری تفکر دخالت دولت در اقتصاد را بررسی خواهد کرد. سپس بر اساس آثار متین دفتری اندیشه‌ها و مواضع

1. Intellectual History.
2. Discourse Analysis

اقتصادی او را بررسی می‌کند. تأکید این مقاله بر دو اثر «کلید استقلال اقتصادی» و «دخالت دولت در اقتصاد» خواهد بود؛ زیرا اندیشه‌های اقتصادی متین‌دفتری در این آثار آمده است.

زندگی‌نامه و فضای تاریخی

احمدخان (بعدها متین‌الدوله و متین‌دفتری) در چهارم بهمن ۱۲۷۵ شمسی به دنیا آمد. وی فرزند میرزا محمودخان اعتضاد لشکر بود (سلیمانی، ۱۳۷۹: ۱۳۳). او تحصیلاتش را در مدرسه آلمانی تهران و مدرسه علوم سیاسی انجام داد و پس از پایان تحصیلاتش به‌عنوان منشی و مترجم در سفارت آلمان مشغول کار شد (کجالزاده، ۱۳۷۰: ۲۷۶). این موضوع در گرایش او به آلمان و علاقه به نظام سیاسی و اقتصادی آن کشور اثر گذاشت. پس از آن به عضویت حزب رادیکال علی‌اکبر داور درآمد (عبده، ۱۳۶۸: ۲۷/۱؛ صدیق، ۱۳۴۰: ۲۷۷). این حزب خواستار جلب سرمایه‌های خارجی، تأسیس راه‌آهن و بهره‌برداری از منابع طبیعی ایران بود (غنی، ۱۳۷۷: ۳۱۵).

وی تا سال ۱۳۰۸ در دستگاه قضایی مشغول به کار بود. سپس به دانشگاه لوزان رفت و دکترای حقوق گرفت. پس از بازگشت به ایران، معاون اداری وزارت دادگستری شد (صفایی، ۱۳۸۳: ۱۴). پس از صدر، متین‌دفتری وزیر دادگستری شد. در سوم آبان ۱۳۱۸ از طرف رضاشاه به نخست‌وزیری رسید و تا ۴ تیرماه ۱۳۱۹ در این مقام باقی ماند (صدرالاشرف، ۱۳۶۴: ۳۷۳).

در سال ۱۳۲۱ شمسی نیروهای متفقین به اتهام حمایت از آلمان او را زندانی کردند. وی در اردیبهشت ۱۳۲۳ آزاد شد (ساکما، ۳۳۱۸/۲۹۳). در جریان ملی‌شدن صنعت نفت جزو اعضای هیئت خلع‌ید بود (متین‌دفتری، ۱۳۵۰: ۱۴) و همچنین در مجالس دوم تا پنجم سنا به‌عنوان نماینده انتخاب شد. وی سرانجام در سوم یا به عبارتی پنجم تیرماه ۱۳۵۰ در اثر عارضه قلبی درگذشت.

تبارشناسی دخالت دولت در اقتصاد

بحث درباره میزان و نحوه دخالت دولت در اقتصاد از مسائلی است که منجر به شکل‌گیری نظریه‌ها و مکاتب فراوانی در حوزه اقتصاد شده است. از آغاز شکل‌گیری اندیشه اقتصادی مدرن این بحث در غرب آغاز شد و به تدریج در ایران نیز به این موضوع توجه شد. باین‌حال این بحث‌ها به‌طورجدی در فضای فکری ایران مطرح نشد. به قول ملک‌خان «در تمام کتب ایرانی لفظی دایر بر اکونومی پولتیک نیست» (ملک، ۱۳۸۷: ۳۲). در واقع حکومت‌ها در ایران

تا قبل از دوره پهلوی نقش چندانی در کنترل اقتصاد نداشتند. در دوره قاجار نیز نقش دولت در اقتصاد کشور منحصر به واگذاری امتیاز به خارجی‌ها و تشویق آن‌ها به بهره‌برداری از منابع طبیعی کشور بوده است (باری‌یر، ۱۳۶۳: ۱۲۷).

پس از انقلاب مشروطه، توجه نخبگان به مسائل مالی بیش‌ازپیش جلب شد. مجلس در سال ۱۳۰۳ شمسی «کمیسیون اقتصادیات» را تأسیس کرد. هدف از تأسیس این کمیسیون، تنظیم برنامه اقتصادی و عمرانی کشور بود (میلسپو، ۱۳۵۶: ۲۰۹). تقی‌زاده در سال ۱۳۰۶ بر لزوم وجود «برنامه» برای اداره کشور تأکید کرد (تقدم، ۱۳۰۶: ۳۰۱؛ بیات، ۱۳۹۳: ۵۸). پس از آن در سال ۱۳۱۰ علی زاهدی لزوم برنامه‌ریزی برای صنعتی‌شدن ایران را پیشنهاد داد (نیلی، ۱۳۹۶: ۳۰؛ شهوند و سعیدی‌نیا، ۱۳۹۹: ۱۴۴). غلامعلی وحید مازندرانی هم نوشت که ایران نیز برای قرارگرفتن در «شاهراه تحول» همانند کشورهای نظیر روسیه، ترکیه و آلمان باید به سمت «طرح نقشه‌های اقتصادی» برود (وحید مازندرانی، ۱۳۱۶: ۱۵۰).

همچنین به دلیل عوامل تاریخی و شرایط خاصی که آلمان در نیمه دوم قرن نوزدهم داشت، اندیشه مخالفت با اقتصاد آزاد و حمایت از دخالت دولت رونق گرفت. ظهور افرادی مانند فردریک لیست و اقبال به اندیشه‌های او شاهدهی بر این موضوع است. در ایران نیز اقبال به این اندیشه‌ها در آثار غلامعلی وحید مازندرانی، علی‌اکبر داور، احمد متین‌دفتری و علی وکیلی دیده می‌شد.

داور معتقد بود به جای تغییر دولت‌ها، باید اصول حکومت در ایران تغییر کند (مردآزاد، ۲۸ حمل ۱۳۰۲: ۱). او علت عقب‌ماندگی جامعه ایران را توجه نکردن به اصول اقتصادی می‌دانست (همان، ۵ سرطان ۱۳۰۲: ۱). وی همچنین معتقد بود تنها دولت است که می‌تواند اصول صحیح اقتصادی را در کشور اجرا کند. به نظر داور «در حال فعلی مملکت، جز دولت، هیچ قوه، قادر به رفع بحران نیست. دولت باید این اوضاع پُر نکبتِ امروز ما را عوض کند» (داور، ۱۳۰۵: ۲۴). وی یکی از وظایف دولت را آموزش مردم می‌دانست. هدف او این بود که دولت ابتدا خود در زمینه‌های اقتصادی و بازرگانی فعالیت کند و به تدریج امور را به مردم واگذار کند (وکیلی، ۱۳۴۳: ۹۵-۹۶). داور برای جلوگیری از ضرر و زیان، شرکت‌های دولتی را تشکیل داد و انحصار تجارت خارجی را در اختیار دولت قرار داد (نفیسی، ۱۳۹۷: ۱/۳۱۵؛ متین‌دفتری، ۱۳۲۴: ۱). دامنه این انحصارها به حدی بود که رضاشاه گفت داور نفس کشیدن را هم انحصاری خواهد کرد (گلشائیان، ۱۳۷۷: ۱/۳۲۳).

علاوه بر این مسائل، سودآور بودن طرح‌های صنعتی و انحصار تجاری، باعث شد تا دولت‌ها مداخله خود در اقتصاد را افزایش دهند این استراتژی، نه تنها در ایران بلکه در بیشتر

جوامع در حال توسعه کم‌وبیش اجرا شد (برایس، ۱۳۵۴: ۵۸؛ شجاعی، ۱۳۹۸: ۶۷). البته در همین زمان مخالفت‌هایی با حضور حداکثری دولت در اقتصاد ایران مطرح شد. به قول مشرف نفیسی، زمانی که دولت، در اقتصاد دخالت مستقیم نداشت و نقش ژاندارم را بازی می‌کرد اوضاع اقتصادی بد نبود، اما به محض دخالت کارگزاران ناآگاه منجر به بحران اقتصادی شد که تا امروز باقی مانده است (مشرف نفیسی، بی‌تا: ۷). علی‌زاهدی هم معتقد بود لزومی نداشت دولت رضاشاه خود کارخانه تأسیس کند؛ زیرا تجربه تاریخی نشان داده است که دولت‌ها، تاجران و صنعتگران ماهری نیستند و باید غیرمستقیم و با حمایت از مؤسسات و افراد خصوصی اقدام به توسعه صنایع بکنند (زاهدی، ۱۳۴۲: ۳۲-۳۳).

متین‌دفتری نیز از همان ابتدا با عملکرد شرکت‌های انحصاری مخالف بود. وی اساساً مخالف دخالت دولت در اقتصاد بود. او اعتراض سایر وزارتخانه‌ها و الغای قرارداد بازرگانی ایران و شوروی را موجب ضرر و ناکامی شرکت‌های دولتی می‌دانست (اطلاعات، ۱ شهریور ۱۳۲۴: ۱).

ابوالحسن ابتهاج از دیگر حامیان برنامه‌ریزی دولتی در اقتصاد بود. او از دوره رضاشاه بر لزوم داشتن «نقشه» و برنامه برای اقتصاد ایران تأکید داشت. همین ایده، زمینه شکل‌گیری شورای اقتصاد در سال ۱۳۱۶ را فراهم کرد (ابتهاج، ۱۳۷۱: ۲۹۷). تلاش‌های بعدی در راه برنامه‌ریزی در سال ۱۳۱۹ را ابوالحسن ابتهاج آغاز کرد. به پیشنهاد ابتهاج، حسین علا موضوع لزوم برنامه‌ریزی در ایران را با رضاشاه مطرح کرد که با آن موافقت شد. به دنبال آن اساسنامه شورای اقتصاد به همراه نامه اداره کل تجارت مبنی بر نیاز اقتصاد کشور به برنامه به تصویب دولت رسید (نیلی، ۱۳۹۶: ۳۰).

درواقع، دولت‌محوری، گفتار مسلط این دوره بود؛ گفتاری که رشد اقتصادی را مقدم بر آزادی سیاسی و مشارکت مردم می‌دانست و همانند نظام سیاسی در زمینه اقتصاد نیز خواهان شکل‌گیری نظامی منسجم و مقتدر بود. این گفتار، در حوزه اندیشه سیاسی با «استبداد منور» و در حوزه اقتصاد با «اقتصاد دولتی» ظهور پیدا کرد.

متین‌دفتری و دخالت دولت در اقتصاد

متین‌دفتری به شدت با دخالت دولت در اقتصاد مخالف بود. دلایل او عبارت بود از:

۱. دولت اصولاً تاجر خوبی نیست و تاجر خوبی هم نمی‌تواند بشود؛ زیرا دستگاه دولت، مستغرق در کاغذبازی است که با طبع بازرگانی سازگار نیست؛
۲. بر فرض که دولت استعداد تجارت داشته باشد، عمال کارآمد و امین لازم دارد. دولت ما

مستخدم شایسته به عده کافی ندارد؛

۳. مال دولت نوعاً به اموال صغار و عجزه شباهت دارد و بسیار نادر است که ولی یا قَیِّم نسبت به مال ایتم، آن دلسوزی را داشته باشد که نسبت به مال خود دارد! خرابی خالصجات دولتی این مدعی ما را ثابت می‌کند (متین دفتری، ۱۳۲۴: ۱۵ و ۱۶).

می‌توان گفت او در این مرحله قائل به وجود «دولت ژاندارم» بود؛ یعنی دولت یک نقش ارشادی و هدایت‌کننده داشته باشند و در همه شئون اقتصادی دخالت نکنند. به نظر متین دفتری دولت باید از دخالت مستقیم در امور اقتصادی خودداری کرده و کار را به نهادها و افراد خصوصی بسپارد. در عوض از منافع و سود این شرکت‌ها مالیات گرفته و آن را صرف هزینه‌های خود کند. البته او توجه نداشت که این نهادهای سیاسی هستند که خط‌مشی و سیاست‌های کلان اقتصادی را تعیین می‌کنند. در واقع نهاد دولت در ایران آن زمان از اقتصاد دولتی به‌عنوان ابزاری برای کنترل جامعه و اجرای سیاست‌های خود استفاده می‌کرد و اساساً اراده‌ای برای تحقق اقتصاد آزاد در نظام سیاسی آن دوره وجود نداشت.

البته متین دفتری تجربه کشورهای جهان پس از جنگ جهانی اول را در نظر داشت؛ جایی که دولت‌ها در تمام شئون زندگانی افراد برای خود «حق ولایت» قائل شده و خود را حافظ موجودیت و استقلال اقتصادی کشور در مقابل دیگر کشورها می‌دانستند؛ به همین دلیل وی در آن مقطع عقیده داشت بازگشت به سمت رژیم‌های اقتصادی لیبرال فعلاً آرزو است و تا حدی موافق حضور و دخالت دولت در عرصه سیاست‌گذاری اقتصادی بود، اما این راهبردی موقت و تاکتیکی بود. وی در این باره نوشت: «مانعی نخواهد داشت که دولت ما برای رونق‌دادن به کالاهای ایرانی، صادرات کشور را تابع مقرراتی از لحاظ ترتیب بسته‌بندی مصنوعات و جور کردن آن‌ها بنماید و خود از مداخله مستقیم کف ید بنماید.» (همان: ۱۷ و ۱۶)

او همانند دولتمردان بسیاری از کشورها، پس از جنگ جهانی اول و بحران اقتصادی ۱۹۲۹ میلادی قائل به نقش بیشتر دولت در اقتصاد شد. پس از این بحران، کشورهای صنعتی، تعرفه‌های گمرکی را به نفع صنایع داخلی تغییر دادند و برای ورود مواد خام و منابع اولیه که از کشورهای نظیر ایران تأمین می‌شد، محدودیت ایجاد کردند. در این مقطع، متین دفتری طرفدار حمایت از صنایع داخلی و تغییر تعرفه‌های گمرکی بود. البته منظور متین از دخالت دولت به معنای دخالت بی‌حد و حصر نبود. وی سعی کرد حدود دخالت دولت را تعیین کند: «معنی ولایت این نیست که دولت در امر تولید و بازرگانی مداخلت کند. معنی ولایت در این عصر سرپرستی و ارشاد است! دولت وظیفه [دارد] از لحاظ تجارت بین‌المللی از بعضی صنایع حمایت کند، بعضی از تولیدات را بیشتر تشویق کند، صادرات و واردات را تابع تنظیمات

نماید.» (همان: ۱۷)

وی خواهان واگذاری شرکت‌ها به سرمایه‌داران داخلی بود و عقیده داشت دولت باید با اجرای یک برنامه ثابت اقتصادی و ایجاد مرکزیت در کارهای اقتصادی به رشد کشور کمک بکند. در اینجا از ابوالحسن ابتهاج و ایده‌های اقتصادی او تأثیر پذیرفته بود. ابتهاج در نامه‌ای به متین‌دفتری، نداشتن برنامه و نبودن مرکزیت در کارهای اقتصادی را علت اوضاع نابسامان اقتصادی دانسته بود (ابتهاج، ۱۳۷۱: ۳۰۵؛ نیلی، ۱۳۹۶: ۳۲). البته ایده مرکزیت‌دادن به صنایع مختص متین‌دفتری و ابتهاج نبود؛ علی‌زاهدی نیز بر ضرورت تمرکز و ادغام مؤسسات صنعتی دولتی در یک «سندیکای صنعتی» تأکید داشت (زاهدی، ۱۳۴۲: ۶۲).

تبادل در واردات و صادرات

متین‌دفتری ضمن شرح میزان صادرات و واردات کشور از کسانی انتقاد کرد که تنها راه نجات اقتصادی ایران را قطع واردات می‌دانستند و آن را برخلاف اصول علم اقتصاد دانست. وی عقیده داشت همان‌طور که واردات، پول را از مملکت خارج می‌کند، مزایایی هم دارد که برای رونق اقتصادی کشور لازم است. همچنین بنا بر اصول علم اقتصاد، واردات و صادرات به موازات یکدیگر ترقی و تنزل می‌کنند. او با استناد به اصل «مزیت نسبی» دیوید ریکاردو^۱ اقتصاددانان مشهور بریتانیایی نوشت: «هر وقت واردات مملکت زیاد بشود، قهراً صادرات هم به همان نسبت ترقی می‌کند و بالعکس اگر یک دولتی به وسیله تعرفه گمرکی جلوی واردات را بگیرد، به همان نسبت از صادراتش کاسته خواهد شد.» (متین‌دفتری، ۱۳۰۴: ۲۸)

او به انتقاد از اقتصاددانان لیبرال پرداخت. آن‌ها معتقد بودند افزایش واردات در نهایت منجر به تعادل واردات و صادرات می‌شود. وی می‌گفت کشوری که دخل و خرجش اختلاف فاحشی داشته باشد ناچار است هر ساله یا از ذخیره مملکت استفاده کند یا اینکه پول چاپ کند که منجر به ورشکستگی اقتصادی می‌شود؛ بنابراین چنین کشوری نمی‌تواند مدعی استقلال اقتصادی بشود (همان: ۱۹-۲۰).

وی دستیابی به اهداف توسعه صادرات و تعدیل واردات را مشروط به اتخاذ یک سیاست تجاری اصولی از طرف دولت می‌دانست (همان: ۳۶-۳۵). البته او به این نکته توجه نداشت که فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری در آن دوره به دلیل مداخلات گسترده دولت، هم در امر

1. David Ricardo

به عقیده ریکاردو، بر مبنای مزیت نسبی، با گسترش صادرات و واردات، امکان بیشتری برای انباشت سرمایه داخلی فراهم می‌شود و همه کشورها از آن نفع می‌برند (Ricardo, 1821: 136-137).

سیاست‌گذاری و هم‌اجرایی مانع اصلی رونق اقتصادی و گسترش بخش خصوصی بود. بنابراین، وی در اینجا، هم با آزادی مطلق تجارت خارجی و هم با محدودکردن واردات مخالف بود. او رویکردی اخلاقی به این مسئله نداشت و سعی می‌کرد منطق نظام اقتصادی جدید را درک کند. وی گفت که نمی‌توان دور کشور حصار می‌کشید و نباید ملت را از لذایذ و نعمت‌های تمدن محروم کرد. «ملتی که وسایل زندگانی خود را به نام صرفه‌جویی محدود کند طبعاً از اثر بی‌نیازی رغبت به کار ندارد و ثروتی تولید نمی‌نماید و باب صادراتش هم مسدود می‌شود.» (همان: ۳۰-۲۹)

بر اساس همین منطق به گروه‌هایی که به واردات اعتراض و از تولید محصولات داخلی حمایت می‌کردند، انتقاد داشت؛ زیرا معتقد بود احتیاجات انسانی، مهم‌ترین محرک فعالیت و رونق اقتصادی است و ایجاد محدودیت از سوی دولت منجر به افزایش قاچاق و تشویق مردم به نافرمانی می‌شود (همان: ۳۴). وی با تأکید بر اصل مزیت نسبی به این نکته اشاره کرد که به دلیل هزینه تمام‌شده، واردکردن برخی از صنایع و اجناس، ارزان‌تر تمام می‌شود. در این مورد او فرانسه را مثال می‌زد: «فرانسه به خوبی می‌تواند ماشین‌هایی را که لازم دارد بسازد، لیکن انگلستان و اتا زونی، ماشین را ارزان‌تر تمام می‌کنند؛ بنابراین صرفه فرانسه این است اغلب ماشین‌های خود را از آن ممالک طلبیده، سعی و عمل خود را صرف تولید اجناس سودمندتری بکند.» (همان: ۲۷-۲۶)

حمایت از صنایع داخلی یا آزادی تجارت خارجی در ایران

متین دفتری پیشنهاد می‌داد به جای قطع واردات و برخورد احساسی، از اصول علمی و عملی برای حل مسائل کشور استفاده شود. پیشنهادهای او توسعه صادرات و تعدیل واردات به وسیله ایجاد صنایع محلی بود (همان: ۳۵).

وی در زمینه سیاست خارجی نیز معتقد بود عقاید طرف‌داران تجارت آزاد و طرف‌داران حمایت از صنایع داخلی اشکالات فراوانی دارد و باتوجه به شرایط ایران باید راهکارهایی ویژه اتخاذ کرد. او در سیاست خارجی به این نتیجه رسید که دولت ایران هم برای تأمین استقلال اقتصادی خود باید از صنایع داخلی حمایت کند (متین دفتری، ۱۳۰۴: ۵۶). او به نقل از فردریک لیست^۱ نوشت در مرحله تشکیل صنایع و زمانی که هنوز آن‌ها نتوانستند قوام پیدا کنند، دولت باید به حمایت از این صنایع بپردازد (همان: ۴۴؛ List, 1983: 33-34). منطق این

1. Friedrich List

کار آشکار بود، وی به‌مانند اقتصاددانان مکتب تاریخی آلمان^۱ عقیده داشت در شرایط تجارت آزاد، صنایع ایران توان رقابت با جوامع صنعتی را ندارند و تن دادن به این شکل از نظام اقتصادی نمی‌تواند منجر به توسعه کشور بشود (List, 1856: 386).

متین دفتری معتقد بود پس از جنگ جهانی اول به‌دلیل شرایط خاص جهان همه دولت‌ها باید در اقتصاد مداخله کنند. دولت ایران هم برای تأمین استقلال اقتصادی خود باید با استفاده از سیاست‌های گمرکی مناسب از صنایع داخلی حمایت کند. وی با اشاره به عملکرد موفق کارخانه‌های نساجی در اصفهان و کارخانه کبریت‌سازی در تبریز اعلام کرد دولت باید با معافیت مالیاتی و با استفاده از قوانین گمرکی از این صنایع حمایت کند (متین دفتری، ۱۳۰۴: ۵۶).

در نظر متین دفتری، «قراردادهای تجارتي که ما با دول متحابه بسته‌ایم همگی یادگار عصر جاهلیت هستند و با روابط امروزه بین‌المللی وفق نمی‌کنند.» (همان: ۵۹) در اینجا تناقضی در اندیشه متین دفتری دیده می‌شود. او در عین اینکه به‌لحاظ نظری حامی اقتصاد آزاد بود، اما در عمل بر استقلال اقتصادی و تغییر قراردادهای تجاری تأکید داشت. این نگاه به نظر می‌رسد بیشتر از ناآگاهی نویسنده از شرایط روز ایران ناشی شده باشد؛ زیرا شرط اول تغییر قراردادهای اقتصادی، ثبات و قدرت نهادهای سیاسی است؛ امری که با توجه به شرایط سیاسی ایران امکان نداشت. این ایده از عقاید فردریک لیست گرفته شده بود (List, 1983: 31-34):
و حید مازندرانی، ۱۳۱۶: ۱۵). این اندیشه زمانی در آلمان و به‌دنبال آن در ایران مدنظر قرار گرفت که «ملی‌گرایی» چه در عرصه سیاسی و چه اقتصادی به‌گفتار غالب نخبگان تبدیل شده بود.

وی در این باره به تجربه دولت فرانسه و انگلستان پس از ۱۹۱۸ میلادی اشاره کرد. آن‌ها پس از جنگ جهانی اول، کلیه قراردادهای تجاری خود را لغو و قراردادهای جدید وضع کردند. متین نیز پیشنهاد می‌کرد دولت ایران هم این سیاست را اجرا کند و قراردادهای جدید و عادلانه منعقد کند. وی معتقد بود «مادام که سیاست تجارتي ما مدبرانه و عاقلانه نباشد صحبت از ایجاد صنایع داخلی و توسعه صادرات و تعدیل واردات حرف مفت است» (متین دفتری، ۱۳۰۴: ۵۹). استفاده از سیاست‌های گمرکی برای پی‌ریزی اقتصاد ملی، مشابه نسخه‌ای بود که فردریک لیست برای اتحاد گمرکی آلمان پیشنهاد می‌داد. لیست بر این باور بود که این شکل از تعرفه‌های گمرکی موجب رکود اقتصادی و انسداد سیاسی شده است (تفضلی، ۱۳۷۲: ۲۵۱).

وی به این نکته توجه نداشت که سیاست‌های حمایتی از سوی دولت لزوماً نتایج مثبتی به بار نمی‌آورد و اجرای آن، صاحبان صنایع داخلی را در موضع انحصارطلبی و حمایت دائم از سوی دولت قرار می‌داد. او بدون توجه به تجربه و الگوی توسعه کشورهای دیگر بر حمایت حداکثری و نامحدود از صنایع داخلی تأکید داشت. در این شکل از دخالت، دولت نظام طبیعی بازار را حذف و یک فرایند سیاسی را جایگزین آن می‌کرد. البته وی آگاه بود که دولت ایران توان مالی حمایت از صنایع داخلی را ندارد، اما پیشنهاد می‌کرد که دولت، صنایع را از دادن مالیات و عوارض سنگین معاف و به آن‌ها کمک مالی بکند.

نقش دولت در اصلاح اقتصاد

برای بحث درباره دولت-ملت باید نقش اقتصادی آن را به‌وضوح مشخص کرد؛ زیرا این نقش اقتصادی به مبنایی برای سیاست‌گذاری کلان تبدیل می‌شود (Levi-Faur, 1997: 155). به نظر متین دفتری، برای اصلاحات اقتصادی باید زمینه‌های اخلاقی و معنوی برای پیشرفت آن فراهم کرد. هم دولت و هم ملت در این زمینه وظایفی دارند. وظیفه ملت این است که «فرد فرد آن قوای مادی و معنوی کوچک خود را صرف مقاصد مشترک و ایجاد یک قوه نیرومند ملی بکند». وی بر این باور بود تا زمانی که در جامعه حس مشارکت و تعاون وجود نداشته باشد، ایجاد شرکت‌های تجاری و رونق اقتصادی محال است. وظیفه دولت هم این است که امنیت اقتصادی را برقرار کند.

برای تأمین یک چنین امنیتی، دولت بایستی قوانین جامع و محاکم عادل ایجاد کند. متین دفتری به‌درستی بر نقش مؤلفه‌های حقوقی در رونق اقتصادی تأکید داشت. وی پیش‌بینی می‌کرد اگر قانون و محاکم قانونی در ایران حکم‌فرما بشود، می‌توان سرمایه‌های داخلی را صرف توسعه صنایع کرد. به دنبال آن سرمایه‌های خارجی وارد کشور می‌شوند و می‌توان اقتصاد ایران را سروسامان داد.

به گفته متین دفتری، کارگزاران دولت تعلق خاطری به اموال دولت ندارند و در معرض تغییرات سیاسی هستند. به علاوه دولت همانند شرکت‌های خصوصی نمی‌تواند در مخارج صرفه‌جویی کند و هزینه کار را بالا می‌برد؛ بنابراین پیشنهاد می‌داد مسئولیت معادن را یک اداره مستقل و غیردولتی بر عهده بگیرد. وی برای مداخله دولت در اقتصاد، معادن آلمان را مثال می‌زد. به نظر وی تجربه دخالت دولت در امر معدن، تجربه‌ای تلخ و شکست‌خورده بود. به گفته متین دفتری، دولت آلمان برای دریافت مبلغ ۲۲/۵ میلیون فرانک، حدود ۴۷۰/۵ میلیون هزینه می‌کرد. وی این تجربه را بهترین مثال برای ناکارآمدی دخالت دولت در معادن

می‌دانست (متین دفتری، ۱۳۰۴: ۱۲۷).

اینجا اختلاف متین دفتری با فردریک لیست و اندیشه‌های مکتب تاریخی آلمان به وضوح مشخص می‌شود. بر اساس ایده‌های این مکتب، دولت وظیفه داشت از طریق اعمال اقتصاد دستوری، قدرت تولید را بالا برده و از صنایع حمایت کند. به نظر متین دفتری، فعالیت اقتصادی دولت، غیر مولد و حتی مانع پیشرفت است. به همین دلیل پیشنهاد می‌داد دولت در امور اقتصادی کمتر دخالت کند تا شرایط اقتصادی بهبود پیدا کرده و درآمد ملی افزایش یابد.

استفاده از سرمایه‌گذاران و مستشاران خارجی

از نظر متین، یکی از علل عمده ناموفق بودن اقتصاد در ایران، نبودن سرمایه بود. او برای حل این مشکل پیشنهاد می‌داد که عدالت و امنیت قضایی در کشور برای سرمایه‌داران خارجی تأمین شود و به آن‌ها این اطمینان داده شود که خطری از جانب دولت تجارت آن‌ها را تهدید نمی‌کند. البته در این زمینه معتقد بود این آزادی نباید به گونه‌ای باشد که باعث استیلا و تسلط بیگانگان بر اقتصاد کشور بشود. در شرکت‌ها و مؤسسات، سرمایه ایرانی و خارجی باید مشترک باشد و بیش‌ترین سهم برای طرف ایرانی باشد (همان: ۶۱-۵۶).

او شرایطی برای استخدام مستشاران خارجی پیشنهاد می‌کرد: «به شرطی که تبعه ممالکی باشند که در ایران مقاصد سیاسی تعقیب نکنند». وی معتقد بود نباید به این مستخدمان مواجب ثابت و دائمی داد: «آن‌ها را در منافع ملک سهیم کنند تا اینکه تمام قوه ابتکار خود را در پیشرفت و رونق فلاح ایران به کار بیندازند!» وی فکر می‌کرد مهاجرانی که دانش فنی و سرمایه داشته و کشورهایشان منفعت سیاسی در ایران ندارند، می‌توانند مثمر‌تر باشند و کارهای بزرگی در ایران انجام دهند. متین دفتری معتقد بود ورود خارجی‌ها یک تکان سریع و مؤثری به تمدن ما خواهد داد (همان).

صنعتی‌سازی به‌جای توسعه کشاورزی

متین دفتری چند راهکار و برنامه اقتصادی نیز برای توسعه کشاورزی در ایران ارائه داد. در آن سال‌ها بحث گسترده‌ای در محافل سیاسی و بین‌نخبگان جامعه درباره اصول کلی توسعه کشور مطرح بود. عده‌ای می‌گفتند ایران باید به سمت توسعه صنعتی برود و عده‌ای دیگر خواهان توسعه کشاورزی بودند. علی زاهدی در کتاب خود به نقل از فردریک لیست نوشت: «در کشور زراعتی، استبداد، بردگی، نادانی حکم‌فرما است. چنین سرزمین، فاقد تمدن و فاقد ارتباط و وسائل نقلیه است و محکوم به فقر و ناتوانی سیاسی است» (زاهدی، بی‌تا: ۴). بعدها

در سال ۱۳۴۴ ناصر معتمدی کتابی با نام *ایران یک کشور کشاورزی نیست باید صنعتی شود* نوشت (معتمدی، ۱۳۴۴). سال‌ها قبل از آن نیز مجله *نامه فرنگستان* در مقاله‌ای به قلم ابراهیم مهدوی به اهمیت کشاورزی در اروپا و ضرورت ترویج به آن در ایران پرداخت (نامه فرنگستان، ۱۹۲۴: ۲۷۲). گریگور یقیکیان نیز اولویت قائل شدن برای توسعه صنعتی را اشتباه می‌دانست و بر ضرورت توسعه کشاورزی در ایران تأکید داشت (یقیکیان، ۱۳۹۵: ۶۴).

متین دفتری درصدد اصلاح اوضاع کشاورزی ایران بود. او برای این کار به دو نیروی دولت و ملاکان تکیه داشت و دو شیوه برای اصلاح کشاورزی پیشنهاد می‌داد: اول جلب کشاورزان خارجی و دوم ایجاد قلعه نمونه (متین دفتری، ۱۳۰۴: ۱۵۱-۱۵۰). متین دفتری معتقد بود در کارهای اجتماعی و اقتصادی، سنگ بزرگ علامت نزدن است، به همین دلیل برای توسعه کشور باید از گام‌های کوچک آغاز کرد و کم‌کم آن را گسترش داد (همان: مقدمه). به همین منظور پیشنهاد داد در شمال ایران با محوریت مازندران به‌عنوان یک نمونه آزمایشی، طرح توسعه ایران به اجرا گذاشته شود.

او از دولت بزرگ انتظار داشت یک قلعه نمونه در مازندران ایجاد کرده و آن را الگوی اصلاح کشاورزی قرار بدهد. سپس ملاکان بزرگ آن را توسعه داده و در سراسر کشور به اجرا دریاوردند. وی اجرای این الگو را در آلمان موفقیت‌آمیز می‌دانست و آن را برای ایران نیز پیشنهاد می‌داد (همان: ۱۵۲-۱۵۱). البته وی معتقد بود برای کشاورزی کشور مناسبی نیست و کشور باید به سمت صنعتی شدن برود. از نظر متین، لوازم ایجاد صنعت یعنی قوای محرکه و مواد خام در ایران به‌وفور یافت می‌شد؛ بنابراین می‌توان زمینه‌های رشد صنعت در ایران را فراهم کرد (همان: ۳۷).

متین دفتری و راه‌آهن

در ذهنیت نخبگان ایرانی، یکی از علل ترقی غرب و کشورهایایی نظیر ژاپن، ساخت راه‌آهن بود؛ بنابراین از دوره قاجار منورالفکران بر ضرورت احداث آن تأکید داشتند. متین دفتری هم به نبود راه‌های مناسب در ایران برای تجارت و گردشگری اعتراض داشت و آن را یکی از علل عقب‌ماندگی اقتصادی می‌دانست (متین دفتری، ۱۳۰۴: ۲۵). وی از ساخت دویست فرسنگ راه عرابه‌رویی که رضاشاه ساخته بود، تمجید کرد و آن را معادل تشکیل ارتش دانست. او ابراز امیدواری کرد اگر این وضع تا ده سال دیگر دوام پیدا کند، ایران در سیاست و اقتصاد با «ممالک راقیه» برابر خواهد شد (همان: مقدمه).

وی ضمن ابراز خوشحالی از تصویب طرح ساخت راه‌آهن نسبت به امکان اجرای آن بدبین

بود. او بر این باور بود که با مالیات قند و چای نمی‌توان هزینه‌های ساخت راه‌آهن را در ایران فراهم کرد^۱ (همان: ۱۶۷-۱۶۶). وی بر این باور بود که مخارج ساخت و نگهداری راه‌آهن در ایران بسیار زیاد است؛ بنابراین پیشنهاد می‌داد مصالح ساختمان راه‌آهن در ایران تهیه شود تا از این طریق صرفه‌جویی صورت بگیرد.

در اینجا نیز رویکرد تکنوکراتیک به توسعه کاملاً مشاهده می‌شود. وی با نادیده‌گرفتن عوامل انسانی تأکیدی بیش از حد بر نقش صنایع و قوانین تجاری داشت. در این رویکرد تصور می‌شد به‌صرف تعیین نظام اقتصادی مطلوب و تدوین قوانین مرتبط با آن می‌توان ترقی کرد. رویکردی که نقش جامعه را انکار می‌کرد یا دست‌کم می‌گرفت و همین عامل یکی از پایه‌های استبداد سیاسی در آن دوره بود.

دموکراسی و دولت مداخله‌گر

متین دفتری مخالف نظرات طرف‌داران مداخله مستقیم دولت (اتاتیسم)^۲ در اقتصاد کشور بود و این شکل از سیاست را با ویژگی‌های کشور ایران ناسازگار می‌دانست. او بر تجربه دولت‌های بعد از شهریور ۱۳۲۰ تأکید می‌کرد؛ همان حکومت‌هایی که عنوان دموکراسی روی خود گذاشته‌اند. وی در این باره نوشت: «بالاخر از ضررهای مادی که از مداخله مستقیم دولت متوجه خزانه عمومی و طبقه سوم این کشور شده، فساد اخلاقی است که از رژیم اقتصادی در محافل سیاسی ما رسوخ یافته [است]. به عقیده من یکی از عوامل عمده عدم موفقیت رژیم دموکراسی ما همین اتاتیسم اقتصادی است» (متین دفتری، ۱۳۲۴: ۴۴ و ۴۳). وی معتقد بود دخالت مستقیم دولت در اقتصاد در این دوره تبدیل به‌نوعی «دیکتاتوری اقتصادی» شد و شیرازه کارها را از هم پاشاند (اطلاعات، ۱۳ شهریور ۱۳۲۴: ۱).

یکی از مباحث جدی در علوم انسانی، ارتباط میان نظام اقتصادی و ساختار حکومت و البته نسبت میان رشد اقتصادی و دموکراسی است (Lipset, 1959: 69؛ Fukuyama, 2016). متین دفتری نیز معتقد بود جوامعی که اقتصاد آزاد دارند کمتر در معرض استبداد هستند و زمینه برای برقراری دموکراسی در آنجا فراهم است. هرچند به این موضوع توجهی نداشت که نهادها و ساختار سیاسی پایداری در این کشورها وجود نداشت تا بتواند روند گذار از حکومت استبدادی به دموکراسی را فراهم کند.

وی ضمن مخالفت با ناکامی و شکست انقلاب مشروطه، علت ناکارآمدی مجالس پس از

۱. البته برخلاف نظر متین دفتری، بخش زیادی از هزینه ساخت راه‌آهن از همین مالیات تأمین شد.

۲. Étatisme

سقوط رضاشاه را مربوط به اقتصاد دولتی می‌دانست: «فساد این رژیم منحصر به دوره دموکراسی نیست؛ چنان‌که مفسد آن را در دوره دیکتاتوری [دوره رضاشاه] هم بیان کردم! اگر دولت از دکان‌داری، کف ید کند، مردم خصوصاً طبقه اصناف، عنان خود را از دست رهبران متنفذ در محافل دولتی رها کرده، دنبال عقیده و ایمان می‌توانند بروند و زمینه تشکیل احزاب مستقل فراهم می‌گردد. به‌غیر از این مشروطیت و انتخابات آزاد با این رژیم اقتصادی عملاً محال است.» (متین دفتری، ۱۳۲۴: ۴۹) در اینجا متین دفتری با الگوی توسعه آن دوران مخالفت می‌کند. الگویی که توسعه سیاسی را موقوف به توسعه اقتصادی می‌کرد. وی عقیده داشت فساد سازمان‌های اجتماعی و سیاسی ایران نیز ناشی از دخالت دولت در اقتصاد است.

راه نجات از دیدگاه متین دفتری

متین دفتری چاره کار را تولید ثروت و رونق بازرگانی می‌دانست؛ کاری که با حضور و دخالت گسترده دولت عملاً امکان دستیابی به آن وجود نداشت. به همین دلیل پیشنهاد می‌داد سازمان اقتصادی دولتی برچیده شود و جای خود را به یک وزارت «اقتصاد ملی» یا «درآمد ملی» بدهد. این وزارتخانه، تنها وظیفه نظارت و تشویق فعالیت‌های اقتصادی مردم را داشت و سرپرستی را به بازرگانان و تولیدکنندگان واگذار می‌کرد (همان: ۱۹ و ۱۸). البته منظور متین دفتری، اضافه کردن یک سازمان عریض و طویل و ناکارآمد دیگر به نظام اداری ایران نبود. به نظر متین دفتری، وزارت اقتصاد باید سازمان‌های موازی دخیل در سیاست اقتصادی را ادغام کرده و سازمان واحد و منسجمی را تشکیل بدهد.

این وزارتخانه باید سیاست اقتصادی کشور را به یک بنگاه مستقل از سیاست واگذار می‌کرد. همچنین باید قوانینی وضع می‌کرد که باعث استقلال فعالیت اقتصادی بشود. در این رویکرد، دولت به جای دخالت مستقیم، نقش سیاست‌گذاری و توسعه بخش خصوصی را بر عهده می‌گرفت. رویکردی که در عمل امکان‌پذیر نبود؛ زیرا نه تنها در ایران بخش خصوصی قدرت و توان این کار را نداشت، بلکه حکومت نیز اجازه ظهور این شکل از فعالیت اقتصادی را نمی‌داد.

متین دفتری همچنین به پیامدهای اجتماعی و سیاسی اقتصاد آزاد آگاه بود. انگیزه او از توجه به رفاه طبقه سوم بیشتر آن بود که جلوی طغیان و شورش این طبقه را بگیرد. وی طبقه متوسط را «ستون فقرات کشور» می‌دانست و از وزارت اقتصاد می‌خواست اختلاف طبقاتی و سطح درآمد را تعدیل کند تا کشور گرفتار بحران‌های اجتماعی نشود. او پیشنهاد می‌کرد وزارت اقتصاد، بیمه‌های اجتماعی را برای همه اصناف طبقه سوم اعم از کارگران و کشاورزان

فراهم کند. وی همچنین خواهان واگذاری کارخانه‌های دولتی به مردم و بخش خصوصی بود. حتی پیشنهاد می‌داد این شرکت‌ها در ابتدا به صورت مشترک بین دولت و مردم اداره شود تا زمینه‌های واگذاری کامل به بخش خصوصی فراهم شود. همچنین از محل درآمد این کارخانه‌ها بخشی نیز باید به تأسیس بیمارستان و مدارس اختصاص یابد تا موجبات «تأمین عدالت اجتماعی» فراهم شود. در اینجا نیز تناقض اندیشه متین دفتری مشخص می‌شود. او در عین تأکید بر دخالت نداشتن دولت در اقتصاد، سیطره دولت بر جامعه و اقتصاد را تأیید می‌کرد. وی معتقد بود با دخالت دولت در اقتصاد، این نهاد قدرتمند شده و می‌تواند برخی اصلاحات اجتماعی را نیز انجام دهد. این ایده مشابه «سرمایه‌داری دولتی»^۱ است.

وی به مانند اقتصاددانان مکتب تاریخی قبل از جنگ جهانی اول، اقتصاد را به ابزاری برای پیشبرد قدرت دولت بدل کرده بود. آن‌ها معتقد بودند تجارت را نباید آزاد گذاشت، بلکه باید آن را با دستان دولت به سمت اهداف خود هدایت کرد (گوردون، ۱۴۰۲: ۴). وی این موضوعات را «راه نجات ایران» می‌دانست (متین دفتری، ۱۳۲۴: ۵۲-۴۹).

البته در عمل هیچ‌گاه اندیشه متین دفتری چه در عرصه سیاست و چه در ذهنیت نخبگان به گفتار غالب تبدیل نشد. ناکامی وی در اجرای اندیشه‌های اقتصادی نه به دلیل ضعف اندیشه وی، بلکه بیشتر به سبب نوع نظام سیاسی دوره پهلوی بود. دولت اقتدارگرای پهلوی، برای انجام برنامه‌های کلان اقتصادی و سیاسی خود نیاز به منابع عظیم ثروت و درآمد داشت؛ به همین دلیل سعی کرد با به انحصار درآوردن منابع تولید و تجارت داخلی و خارجی، درآمد لازم را برای این برنامه فراهم کند. طبیعی است که در این شرایط، اساساً مجال برای بحث درباره اقتصاد آزاد فراهم نبود. از سوی دیگر، اقتصاد آزاد و غیردولتی، تبعاتی در عرصه سیاسی و اجتماعی داشت که حکومت رضاشاه نمی‌خواست به آن تن بدهد. اساساً این شکل از نظام اقتصادی به جز موارد اندک تنها در نظام سیاسی توسعه‌گرا و دموکراتیک قابل‌دستیابی بود.

نتیجه‌گیری

فروپاشی نظم اقتصادی کهن و تغییر مناسبات نظام جهانی باعث توجه به پیامدهای آن شد. یکی از مهم‌ترین مسائل ایران در مواجهه با تمدن غرب، بحران اقتصادی بود. بحرانی که ریشه در مبانی فکری و نظری داشت. احمد متین دفتری یکی از کسانی بود که به تأمل در مبانی نظری اقتصاد ایران پرداخت. وی علاوه بر کار نظری، مدت‌ها سابقه فعالیت اجرایی در این عرصه را داشته و با بسیاری از مسائل عملی و جزئی اقتصاد ایران آشنایی کامل داشت.

متین دفتری در عرصه نظری خواهان نظام اقتصادی آزاد و بدون دخالت دولت بود، اما به علت شرایط جامعه و حکومت ایران به دنبال پی‌ریزی یک اقتصاد ملی همانند آلمان رفت. او استقلال اقتصادی را شرط استقلال سیاسی می‌دانست و سعی کرد با دوری از رویکردی اخلاقی، نگاهی منطقی و معقول به بحث نقش دولت در اقتصاد داشته باشد. او معتقد بود حضور دولت در اقتصاد منجر به اخلال در روند طبیعی نظام اقتصادی می‌شود؛ همچنین پیامدهای سیاسی و اجتماعی وخیمی همچون استبداد سیاسی و ظهور دیکتاتوری را در پی دارد. در کُل او مخالف حضور حداکثری و دخالت دولت در عرصه اقتصاد بود.

البته نمی‌توان و نباید الگوی توسعه اقتصادی جوامع مختلف را به ایران تعمیم داد. نوع و کیفیت دخالت دولت در هر کشوری با ساخت سیاسی، جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی آن جامعه ارتباط مستقیم دارد. طبیعی است که در ابتدای تأسیس دولت مدرن در ایران، حدی از دخالت دولت برای پیشبرد امور لازم بود، اما باز کردن این باب و گسترش حوزه نفوذ دولت منجر به شکل‌گیری اقتصادی دولتی شد که خلاصی از آن به راحتی امکان‌پذیر نبود و تبعات گسترده‌ای نه فقط در حوزه اقتصاد، بلکه در سایر حوزه‌های سیاسی و اجتماعی نیز داشت. پرسش متین دفتری درباره بحران ایران و تلاش وی برای حل مسئله، فارغ از پاسخی که به آن می‌دهد، مهم است. اقتصاد دولتی و پیامدهای آن مسئله‌ای است که جامعه ایران تا امروز نیز با آن درگیر است.

منابع

الف. کتاب‌ها و مقالات

- ابتهاج، ابوالحسن (۱۳۷۱) *خاطرات ابوالحسن ابتهاج*، به کوشش علیرضا عروزی، تهران: علمی.
- باری‌یر، ج (۱۳۶۳) *اقتصاد ایران*، تهران: مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی سازمان برنامه.
- برایس، موری. دی (۱۳۴۳) *توسعه صنعتی*، ترجمه غلامرضا کیانپور، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بیات، کاوه (۱۳۹۳) «سیدحسن تقی‌زاده یک مملکت، یک برنامه»، *گفت‌وگو*، (۶۶)، ۵۳-۶۴.
- تفضلی، فریدون (۱۳۷۲) *تاریخ عقاید اقتصادی*، تهران: نی.
- تونک، صغری (۱۳۹۰) احمد متین دفتری و تحولات سیاسی ایران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین.
- داور، علی‌اکبر (۱۳۰۵) «بحران»، *آینده*، (۱)۲، ۷-۲۴.
- رباط جزئی، مژگان (۱۳۹۰) *زندگی و کارنامه سیاسی احمد متین دفتری*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.
- روکی، ابوالفضل (۱۳۹۲) احمد متین دفتری در دوره پهلوی اول، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه

فردوسی مشهد.

زاهدی، علی (۱۳۴۲) لزوم پروگرام صنعتی، تهران: بی‌نا.

_____ (بی‌تا) صنایع ایران بعد از جنگ، بی‌جا: بی‌نا.

سلیمانی، کریم (۱۳۷۹) القاب رجال دوره قاجاریه، تهران: نی.

شجاعی دیوکلانی، حسن (۱۳۹۸) توسعه‌نیافتگی و صنعتی‌سازی؛ ایران عصر قاجار و پهلوی اول، تهران: تیسرا.

شهنود، علی؛ سعیدی‌نیا، حبیب‌الله (۱۳۹۹) «خوانشی نو از علل تعلیق برنامه هفت‌ساله اول»، تاریخ اسلام و ایران، دانشگاه الزهرا (س)، ۳۰(۶۶)، ۱۷۵-۱۴۳.

صدر (صدرالاشرف)، محسن (۱۳۶۴) خاطرات صدرالاشرف، تهران: وحید.

صدیق، عیسی (۱۳۴۰) یادگار عمر، جلد ۱، تهران: چاپخانه سازمان سمعی و بصری هنرهای زیبای کشور.

صفایی، ابراهیم (۱۳۸۳) دکتر احمد متین‌دفتری، تهران: قطره.

عاقلی، باقر (۱۳۷۱) خاطرات یک نخست‌وزیر (دکتر احمد متین‌دفتری)، تهران: علمی.

عبده، جلال (۱۳۶۸) چهل سال در صحنه قضایی، سیاسی و دیپلماسی ایران و جهان، به‌کوشش مجید تفرشی، تهران: رسا.

غنی‌نژاد، موسی (۱۳۹۵) اقتصاد و دولت در ایران، تهران: دنیای اقتصاد.

غنی، سیروس (۱۳۷۷) ایران: برآمدن رضاخان، برافتادن قاجار و نقش انگلیسی‌ها، ترجمه حسن کامشاد، تهران، نیلوفر.

کحال‌زاده، ابوالقاسم (۱۳۷۰) دیده‌ها و شنیده‌ها، خاطرات میرزا ابوالقاسم‌خان کحال‌زاده، به‌کوشش مرتضی کامران، تهران: نشر البرز.

گلشائیان، عباسقلی (۱۳۷۷) گذشته‌ها و اندیشه‌های زندگی یا خاطرات من، جلد ۱، تهران: انیشتین.

گوردون، دیوید (۱۴۰۲) مبادی فلسفی اقتصاد اتریشی، ترجمه محمدجواد خواجه‌زاده، سایت پژوهشگاه

مالکیت و بازار، نشانه اینترنتی <https://iifom.com/eco/76>

متین‌دفتری، احمد (۱۳۲۴) دخالت مستقیم دولت در اقتصاد کشور، تهران: بی‌نا.

_____ (۱۳۵۰) «سفرها و اندیشه‌هایی در سال بین‌المللی آموزش»، دنیا، (۲۷)، ۲۷-۱۱.

مشرف نفیسی، حسن (بی‌تا) زندگانی گران؛ علت گرانی چیست و چاره آن کدام است؟ بی‌جا: چاپخانه بانک ملی.

معمودی، ناصر (۱۳۴۴) ایران یک کشور کشاورزی نیست باید صنعتی شود، تهران: بی‌نا.

میرزا ملک‌خان (۱۳۸۷) نامه‌های میرزا ملک‌خان ناظم‌الدوله، به‌کوشش علی‌اصغر حقدار، تهران: چشمه.

میلسپو، آرتور (۱۳۵۶) مأموریت آمریکایی‌ها در ایران، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: پیام.

نامه فرنگستان (۱۹۲۴)، (۶)، ۲۷۲.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۵۷، بهار ۱۴۰۲ / ۱۳۱

نقیسی، حسن (۱۳۹۷) *یادی از روزهای رفته (خاطرات حسن مشرف نفیسی)*، به کوشش منصوره اتحادیه، تهران: تاریخ ایران.

نیلی، مسعود (۱۳۹۶) *برنامه ریزی در ایران (۱۳۱۶-۱۳۵۶)* تحلیلی تاریخی، با تمرکز بر تحولات نقش و جایگاه سازمان برنامه و بودجه، تهران: نی.

وحید مازندرانی، غلامعلی (۱۳۱۶) *اقتصاد ملی و سیاست اقتصادی ایران*، تهران: بی نا.

وکیلی، علی (۱۳۴۳) *داور و شرکت مرکزی*، تهران: چاپخانه اتاق بازرگانی.

یقیکیان، گریگور (۱۳۹۵) *گرایش‌های در سوسیال دموکراسی ایران ۱۳۲۷-۱۲۸۹*، به کوشش محمدحسین خسروپناه، تهران: شیرازه کتاب ما.

ب. نشریات

روزنامه اطلاعات (۱۳۲۴)، ۲۰ (۵۸۴۱)، ۱ شهریور، ۱.

_____ (۱۳۲۴)، ۲۰ (۵۸۴۹)، ۱۳ شهریور، ۱.

روزنامه مردآزاد (۱۳۰۲)، (۴۲)، ۲۸ حمل، ۱.

_____ (۱۳۰۲)، (۸۴)، ۵ سرطان، ۱.

مجله تقدم (۱۳۰۶)، (۵)، ۱ دی ماه، ۱.

پ. اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما) سند ۳۳۱۸ / ۲۹۳، ۱.

Fukuyama, Francis (2016), *Exporting the Chinese model of development*, project-syndicate, Jan 12.

Levi-Faur, David (1997), *Friedrich List and the political economy of the nation-state*, Review of International Political Economy 4(1), March, pp 154-178.

Lipset, Seymour Martin (1959), "Some Social Requisites of Democracy: Economic Development and Political Legitimacy." *The American Political Science Review* Volume 53, Issue 1, pp 69-105.

List, Friedrich (1983), *The Natural System of Political Economy*, Edited by W.O. Henderson, London: F. Cass.

List, Friedrich (1856), *The National System of Political Economy*, Translated by George-Auguste Matile, Henri Richelo, Philadelphia: J. B. Lippincott & Company.

Ricardo, David (1821), *On the Principles of Political Economy and Taxation*, *Works of David Ricardo*, Vol. 1, ed. by Piero Sraffa with the collaboration of M. H. Dobb, Cambridge: Cambridge University Press.

List of Sources with English Handwriting

Persian Sources

- Abdeh, Jalal (1368 Š), forty years in the judicial, political and diplomatic scene of Iran and the world. by Majid Tafreshi. Tehran: Rasā. [In Persian]
- Aqli, Baqir (1371 Š), *Qāterāt-e yek Naqost Vazīr* (Doktor Aḥmad Matin Daftari), Terhan: 'Elmī. [In Persian]
- Bayat, Kaveh (1393 Š), Seyyed Ḥasan Taqizadeh, Yek Mamlekat, Yek Barnāmeḥ, *Majalleh-ye Goftogū*, No. 66, Winter, pp. 53-64. [In Persian]
- Bharier, Julian (1363 Š), Economic development in Iran, Tehran: M'oasseseh-ye Hesābrasī *Šanāye'e Mellī-ye Sāzmān-e Barnāmeḥ*. [In Persian]
- Bryce, Murray D. (1343 Š), industrial development, Translated by Gholamreza Kiyampur, Tehran: *Bongāh-e Tarjomeh va Našr-e Ketāb*. [In Persian]
- Davar, Ali Akbar (1305 Š.), "crisis", *Ayandeh Magazin*, 2, No. 1, pp. 7-24. [In Persian]
- Ebtehaj, Abolhasan (1371 Š), *Qāterāt-e Abolḥassan Ebtehaj*, by Alireza Arouzi, Tehran: 'Elmī. [In Persian]
- ELIKEAN (Yeḩīkīān), GRIGOR E. (1395 Š), a trend in Iran's social democracy 1289 - 1327, by Moḥammad Hosseyn Kōsrowpanah, Tehran: *Štrāzeh*. [In Persian]
- Ghaninejad, Musa (1395), *Economy and Government in Iran*, Tehran: *Donyā-ye Eqtešād*. [In Persian]
- Ghani, Sirus (1377 Š), Iran: *Barāmadan-e Rezā Kān*, *Baroftādan-e Qajar va Naqš-e Engīlīsīhā*, Translated by Hasan Kamshad, Tehran: *Nīlūfar*. [In Persian]
- Golshaeyan, Abbasqoli (1377 Š.), *Gozaštēhā*, *Andīsehā-ye Zendeḩī yā qāterāt-e Man*, Vol. 1, Terhan: *Entešārāt-e Einstein*. [In Persian]
- Gordon, David (1402), *Philosophical Foundations of Austrian Economics*, translated by Mohammad Javad Khajezadeh, Property and Market Research Institute website, URL <https://iifom.com/eco/76>
- Kahalzadeh, Abolqasem (1370 Š), sightings and hearings, memories of Mīrza Abulqasem Khan Kahalzadeh, with the efforts of Morteza Kamran, Tehran: *Našr-e Alborz*. [In Persian]
- Matin Daftari, Aḥmad (1324 Š.), *Direct intervention of the government in the country's economy*, Tehran: *Bina*.
- Matin Daftari, Aḥmad (1350 Š), *Travels and Thoughts in the International Year of Education*, *Sālnāmeḥ-ye Donyā*, S 27, pp 11 - 27. [In Persian]
- Millspaugh, Arthur Chester (1356 Š) *The American Task in Persia*, Translated by Ḥossein Abutorabiyān, Tehran: *Payām*. [In Persian]
- Mīrzā Mālkam Kān (1387 Š), *Nāmeḩhā-ye Mīrzā Mālkam Kān Nāzem ul-Dowlah*, by Ali Asghar Haqdar, Tehran: *Češmeh*. [In Persian]
- Motamedi, Nasser (1344 Š), Iran is not an agricultural country, it must be industrialized, Tehran: *BiNā*. [In Persian]
- Musharraḩ Nafisi, Hassan (BiTā.), *Zendeḩānī-ye Gerān*, no placed, *Čāpḩāneh-ye Mellī*. [In Persian]
- Nafisi, Ḥassan (1397 Š), *Yādī az Rūzhā-ye Rafteh* (*Qāterāt-e Ḥassan Mošref Nafīsī*) by *Manšūreh Etteḩādīyeh*, Tehran: *Tārīḩ-e Iran*. [In Persian]
- Nili, Masoud (1396 Š), *Planning in Iran (1316-1356)*, a historical analysis, focusing on the evolution of the role and position of the Planning and Budgeting Organization, Tehran: *Ney*. [In Persian]
- Robaḩ Jazi, Mozghan (1390 Š), the life and political career of Ahmad Matin Daftari, master's thesis of Islamic Azad University, Shahrood branch. [In Persian]
- Ruki, Abolfazl (1392 Š), *Aḥmad Matin Daftari in the First Pahlavi Period*, Master's Thesis of Ferdowsi University of Mashhad. [In Persian]
- Sadr (Sadr al-Ashraf), Mohsen (1364 Š), *Qāterāt-e Šadr ol-Ašrāf*, Tehran: *Vaḩīd*. [In Persian]
- Safāi, Ebrahim (1383 Š), Dr. Aḥmad Matin Daftari, Tehrān: *Qaḩreh*. [In Persian]

- Shahvand, Ali and Habibullah Saedinia (Summer 1399 Š), New Reading of the Reasons Behind the Suspension of the First Seven-year plan, History of Islam and Iran, volume 30, No. 46, pp 143-175. [In Persian]
- Sediq, Isa (1340 Š), Yādegār-e ‘Omr, Vol. 1, Tehran: Čāpkāna-ye Sāzmān-e Sam’ī va Bašarī-e Honarhā-ye Zībā-ye Kešvar. [In Persian]
- Shujaei Dioklai, Hassan (1398 Š), underdevelopment and industrialization; Qajar and Pahlavi era Iran, Tehran: Tisā. [In Persian]
- Soleimani, Karim (1379 š), Qajar Period Titles of Men, Tehran: Ney. [In Persian]
- Tafzali, Fereydoun (1372 Š), History of Economic Ideas, Tehran: Ney. [In Persian]
- Tonk, Soghra (1390 Š), Aḥmad Matin Daftari and Iran's Political Developments, Master's Thesis of Imam Khomeini International University Qazvin.. [In Persian]
- Vahid Mazandarani, Gholam Ali (1316 Š), National Economy and Economic Policy of Iran, Tehran: BiNa. [In Persian]
- Vakili, Ali (1343 Š), Dāvar va Šerkat-e Markazī, Tehran: Čāpkāneh-ye Oṭāq-e Bāzargānī. [In Persian]
- Zahedi, Ali (1342 Š), The necessity of an industrial program, Tehran: Binā. [In Persian]
- Zahedi, Ali (BiTā), Iran's industries after the war, No placed: Binā. [In Persian]

Newspapers

- Rūznāmeḥ-ye Eṭṭelā‘āt (1 Šahrīvar 1324 Š), Sal 20, No. 5841. [In Persian]
- Rūznāmeḥ-ye Eṭṭelā‘āt (13 Šahrīvar 1324 Š), Sal 20, No. 5849. [In Persian]
- Rūznāmeḥ-ye Mard-e Āzād (28 Hamal 1302 Š.), No. 42, p. 1. [In Persian]
- Rūznāmeḥ-ye Mard-e Āzād (5 Sarāṭān 1302 Š.), No. 84, p. 1. [In Persian]
- Majalleh-ye Taqaddom (1306 Š), Sal 1, No. 5, Dey Māh, p 1. [In Persian]
- Nāmeḥ-ye Farangestān (1924 October), No. 6, p 272. [In Persian]

Documents

- SAKMA, Document ID 293/3318, p. 1. [In Persian]

English Sources

- Fukuyama, Francis (2016), *Exporting the Chinese model of development*, project-syndicate, Jan 12.
- Levi-Faur, David (1997), *Friedrich List and the political economy of the nation-state*, Review of International Political Economy 4(1), March, pp 154-178.
- Lipset, Seymour Martin (1959), "Some Social Requisites of Democracy: Economic Development and Political Legitimacy." *The American Political Science Review* Volume 53, Issue 1, pp 69-105.
- List, Friedrich (1983), *The Natural System of Political Economy*, Edited by W.O. Henderson, London: F. Cass.
- List, Friedrich (1856), *The National System of Political Economy*, Translated by George-Auguste Matile, Henri Richelo, Philadelphia: J. B. Lippincott & Company.
- Ricardo, David (1821), *On the Principles of Political Economy and Taxation, Works of David Ricardo*, Vol. 1, ed. by Pierro Sraffa with the collaboration of M. H. Dobb, Cambridge: Cambridge University Press.



The Role of the Government in the Economy; Rereading the Opinions and Thoughts of Ahmad Matin-Daftari¹

Hassan Rajabi Fard²

Received: 2023/02/10

Accepted: 2023/05/11

Abstract

With the beginning of relations between Iran and the West, the crisis covered all spheres of life in Iranian society. Among these, the economic crisis emerged as a significant concern. Several enlightened thinkers made endeavors to provide a solution for this crisis based on their understanding and vision. However, more intellectuals should have paid more attention to its roots. Ahmad Matin-Daftari was one of those who seriously reflected on this issue and offered solutions.

The main issue of the article is the rereading of Ahmad Matin-Daftari's opinions on Iran's economic crisis and the government's role in solving this issue. The article's question is, what role did Matin-Daftari consider for the government in solving the economic crisis? This article hypothesizes that, unlike most intellectuals, Matin-Daftari sought to limit the role of the government and establish a national economy in Iran.

The findings of this article show that Matin-Daftari believed that the government should refrain from direct interference in economic affairs and leave the work to private institutions and individuals. He also believed that the corruption of Iran's social organizations and political institutions is caused by the economy's domination over the government.

Keywords: Ahmad Matin-Daftari, Economic crisis, Government intervention in the economy, National economy

1. DOI: 10.22051/hii.2023.43314.2768

2. PhD Candidate, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. hfr3011@gmail.com

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493